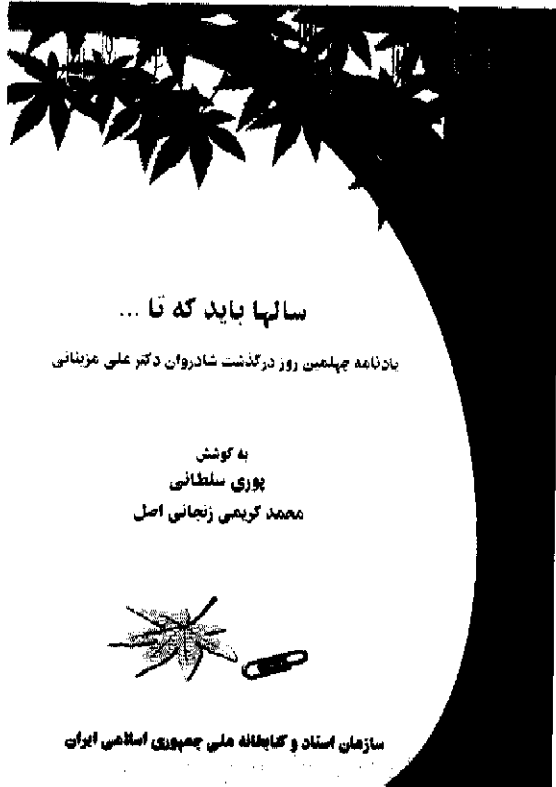


معرفی کتاب



پوری سلطانی، محمد کریمی زنجانی اصل. سالها باید که تا ... یادنامه
چهلمین روز درگذشت شادروان علی مزینانی، انتشارات سازمان اسناد و
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۳، ۳۶۷ ص. با شمارگان
۱۰۰۰ شابک: ۹۶۴-۴۴۶-۱۲۷-۴
عنوان به انگلیسی:

A Collection of Essays in Commemoration of Dr. Ali Mazinani

سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
به پاس خدمات علمی-فرهنگی و درگذشت ناگهانی و زود هنگام ناموری
ز تبار علم و قلم کتاب، شادروان دکتر علی مزینانی، مدیرکل پردازش کتابخانه،
ملی جمهوری اسلامی ایران، یادنامه‌ای تهیه و تدوین گردید و همانطور که از
عنوان اثر برمی آید، تمامی تلاش دوستان و همکاران بر آن شد که این اثر، در
چهلمین روز فقدان آن استاد فرزانه به زیور طبع آراسته گردد. این امر خطیر،
ممکن نبود مگر به جدیت، علاقه و همدلی دوستان که این کار سترگ را به انجام
رساندند و در کمترین زمان ممکن، چنین اثری را خلق و در دسترس همکاران،
شاگردان و جامعه علمی-پژوهشی قرار دادند. این کتاب نیز پس از چاپ و نشر،
می بایست همانند سایر نشریات سازمان، در نشریات سازمان "فصلنامه گنجینه"
و "فصلنامه کتاب معرفی" می گردید. به هنگام معرفی کتاب، دانسته شد که استاد
بزرگوار، جناب آقای جمشید کیانفر، با فراست و شایستگی هر چه تمام تر و به
ایجاز، کتاب مذکور را در یکی از نشریات معرفی کرده و بدرستی حق مطلب
را در این مورد ادا کرده است. از این رو، برای معرفی کتاب از نوشته ایشان بهره
جستیم:

یادنامه شادروان علی مزینانی، در چهار بخش کلی بدین شرح تدوین گشته
است. بخش نخست با "یاد و سپاسی" آغاز می شود. بخش دوم نیز با عنوان "یاد
یار"، با سخن دلنشین فرزند آن مرحوم آغاز می شود و سپس سپاس خدا که
خواست قلبی او به واسطه انتشار این اثر، برآورده شده است:
دکتر مزینانی، هرگز از یاد نخواهد رفت. نوشته دردمندانه و خودمانی
فریبرز خسروی است که گویی نبود مزینانی را باور ندارد و همچنان در پی
گفتگویی شخصی و خصوصی با اوست. از توجه خاص مزینانی به کار و
همکارانش خبر می دهد و این همه، با نگرستن در زندگی نامه و سوابق کاری و
فهرست آثار آن زنده یاد، در مقاله مادر و مهربانوی کتابداری ایران، پوری
سلطانی، احترام آدمی را نسبت به این عزیز از دست رفته بیش تر می کند.
بدون شک "مرگ چنین خواهی نه کاریست خرد"؛ و گزیده تسلیتنامه هارا
باید نگرست که اندوه گمترده اهل علم و فرهنگ را در سوگ این مدیر و معلم
دلسوز در اختیار می نهد؛ مدیر و معلمی که در سوگوشته های همکارانش، به
رفتار خوب اخلاقی ستوده شده است؛ باشد که اخلاق ستوده اش، شادی جاودان
بر او نصیب کند.

در بخش سوم با عنوان "مطالعات ایران و اسلام"، پانزده مقاله در حوزه های

مختلف ایرانشناسی و اسلامشناسی در کنار هم نشست است و به انصاف باید
گفت که هر یک تحفه ای گرانبها و ارزشمند است. تنوع موضوع مقالات این
بخش و نوآوری و درخشش مطالب آنها، به گونه ای است که از خواندن هیچ
یک بسادگی نمی توان صرف نظر کرد. این مقالات در یک طبقه بندی کلی،
مشتملند بر هشت مقاله در حوزه ایران باستان که از میان آنها سه مقاله، تألیف و
پنج مقاله، ترجمه شده است. از آنها، مقاله "درآمدی بر نظام دینی گاهان" از
محمود رضا اسفندیاری و "های فروتی" از ملیحه کر باسیان، به سروده هایی که
هر زرتشتی به هنگام گفتن پیمان دین بر زبان می آورد، می پردازد. در مقاله های
"کتیبه گمنام آرمازی در گرجستان" از داریوش اکبرزاده و ترجمه مقالات زنده یاد
احمد تفضلی و نینا پیگولوسکویا و ریچارد فرای و مری بویس و ورنری دوتس
نیز، می توان دید. از هفت مقاله حوزه مطالعات اسلامی نیز، یک مقاله ترجمه ای
است در حوزه فقه مذاهب اسلامی از فرحت زیاده و مقالات ششگانه تألیفی
آن، موضوعات متنوعی را شامل می شود که در یک سوی آنها ملاحظاتی
کوتاه اما جدی حمید نورانی نژاد درباره تفسیر ابن عطاء قرار دارد و در سوی
دیگرش، نکته سنجیهای ارزشمند محمد کاظم رحمتی درباره کتاب کمال الدین
شیخ صدوق. مقاله های محمد حسین ساکت و محمد کریمی درباره "نسخه
های خطی پزشکی عربی در کتابخانه آستان قدس رضوی" و "سهم دارالعلمهای

شیعی در نوزایی فرهنگی سده های چهارم و پنجم هجری، با وسعت نظر و دقتی تحسین برانگیز به نگارش در آمده است. همچنان که مقاله درخشان محمد حسین منظور الاجداد درباره "تقیان امامی مذهب عهد سلجوقی"، ظهور فصل تازه ای را در مطالعات این دوره نوید می دهد. از مقاله استاد کامران فانی درباره "هنرهای ایران" نیز نباید غافل بود که بر آستی خستگی از هر خواننده ای به در می کند و ما را بر آنچه در عرصه هنر داشته ایم و می توانیم داشت، امیدوار و مغرور می نماید.

سرانجام از وایسین بخش با عنوان "مطالعات کتابداری و اطلاع رسانی" می باید سخن گفت که مقالاتی به ترجمه و تألیف مرضیه هدایت، زهرا تهوری و ظاهره یعقوب پور، زینت آرای آن شده است تا یادنامه عاشقی از تبار کتابداران ایران زمین که با یادداشت "کتابدارانه او آغاز گشته بود، با نوشته هایی از همکاران کتابدارش به پایان رسد.

انتشار این کتاب، با توجه به دقت نظر علمی و سواست مؤلفان و مترجمان مقالات آن، شایسته هر گونه ارجح گذاری است؛ همچنان که این سواست و دقت را در شیوه تدوین و صفحه آرای و رعایت نکات فنی آن نیز بروشنی می توان دید.

روزنامه هفتگی حبل المتین، به مدیریت جلال الدین حسینی، در سال ۱۳۸۳ در انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با شمار ۱۰۰ نسخه تجدید چاپ شد.

مطبوعات، بخشی از میراث مکتوب جوامع بشری به شمار می روند و سهم بسیار مهمی در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملتها داشته و دارند. تردید نیست که انتشار و انتقال خبرهای روزانه، تحلیل و تفسیر رویدادهای اجتماعی و سیاسی، مهم ترین رسالتی است که اغلب مطبوعات بردوش داشته اند. از این روی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، بنا به وظایف همه جانبه خود در حفظ اسناد و آثار مکتوب تاریخ ایران، چاپ و انتشار روزنامه حبل المتین را در دستور کار خود قرار داد تا محققان و پژوهشگران در ابعاد مختلف پژوهشی، از این منبع بسیار ارزشمند، بهره های مناسب ببرند. تا به حال از روزنامه مزبور ده مجلد مربوط به سالهای سوم تا بیست و دوم با فقدان سال شانزدهم آن، در سال ۱۳۸۳ و در تیراژ ۱۰۰ نسخه به چاپ رسیده است.

اولین شماره روزنامه هفتگی حبل المتین، روز یازدهم جمادی الثانی سال ۱۳۱۱ق. یعنی دو سال قبل از به قتل رسیدن ناصرالدین شاه در کلکته انتشار یافت. این روزنامه، از وزین ترین و متین ترین روزنامه های زمان خود بود که به همت مؤیدالاسلام به طبع رسیده است. این نامه هفتگی از همه روزنامه های آن زمان، بزرگ تر و نامدارتر بود و در هندوستان آزادانه سخن می راند و درباره گرفتاریهای ایران می نوشت و دلسوزیها و راهنماییهای بسیاری می کرد و بارها پیشنهاد قانون و حکومت مشروطه نمود. یکی از عللی که مایه رواج این هفته نامه گردید، این بود که حاج زین العابدین تقی اف، پول بسیاری فرستاد تا روزنامه برای علمای نجف، و دیگر جاها بدون دریافت پول فرستاده شود. از این جا بود که پیوستگی میان روزنامه و علما پدید آمد.

نویسنده آن سید جلال الدین کاشی، معروف به مؤیدالاسلام بود که فردی نیکنام و شناخته شده بود و به دلیل افکار نوخواهی و طرح موضوعاتی راجع به قانون مساوات، عدالت، اصلاحات و معارف پروری و نیز انتقادات از



مدیر:

(جلال الدین حسینی)

جلد دوم

سال دوم و چهارم

۶۲-۱

چهارم ۴۷-۱

تأسیس، نشر و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

صاحب منصبانی چون امین السلطان، مدتها ورود روزنامه او به ایران ممنوع بود. با این وجود، حبل المتین به هر شکل ممکن، به ایران می رسید و نقش مهم آن، شبیه نقش روزنامه کولکول (جرس) هر تس در روسیه بود.

قسمتی از حبل المتین، اختصاص به موضوعات مذهبی داشت و این روزنامه در زمان خود، قهرمان اتحاد اعلام شمرده می شد. این روزنامه هفتگی، در قطع رحلی با تعداد صفحات متغیر و معمولاً ۲۴ صفحه منتشر می شد و مطالب آن را می توان به چند بخش محتوایی تقسیم نمود:

- ۱- سرمقاله که بیشتر طرح نصایح و پیشنهادهای اصلاحی بود.
- ۲- مقالات سیاسی، اخبار جهان و تحولات اروپا بخصوص شمایی از وضع جهان در آن روزگار.
- ۳- اخبار کوتاهی از ایران بویژه اخباری که با حکومت و شاه و برخی صاحب منصبان داشت.

۴- برخی مطالب به صورت تحلیلی در ترویج علم و دانش و نتایج آن. گفتنی است که روزنامه هفتگی حبل المتین، تا سال ۱۳۰۹ش. - که مؤیدالاسلام زنده بود - ادامه یافت و از آن پس، این روزنامه توسط هیچ شخص دیگری به فعالیت مطبوعاتی خود ادامه نداد. با این وصف، به دلیل اهمیت تاریخی این جریده، در نظر است که مجلدهای بعدی آن، در روزگار نه چندان دور به زیور طبع آراسته شود.